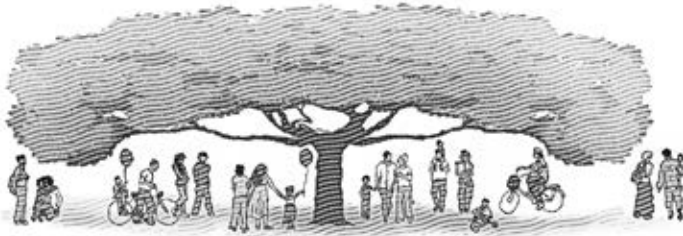


# اتحاد در ایمان



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۱۸: ۱۱؛ ارمیا ۳۱: ۲۵؛ متی ۱۱: ۲۸؛ مزامیر ۱۲۷؛ امثال سلیمان ۲۲: ۶؛ اول سموئیل ۳: ۱۰-۱۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۳.

**آیه حفظی:** « فرزندان، میراثی از جانب خداوند هستند و برکتی که خداوند به انسان عطا می‌کند » (مزامیر ۱۲۷: ۳).

زاد و ولد رویدادی عادی و طبیعی است که غالباً این پیدایش و زایش شگفت انگیز را بطور کامل ارج نمی‌نهمیم. حال و هوای حوا را، در زمانی که قابیل نوزاد را در آغوش گرفت تصور کنید. تغییراتی که در جسم او بخاطر رشد جنین حاصل می‌شد، درد شدید و طاقت فرسای زایمان، و سپس دیدن این طفل کوچک که بسیار شبیه به آنهاست، اما بسیار بی دفاع است، چیزهایی بود که او تجربه کرد. سارا که در ۹۰ سالگی و در دوران پس از زایمان بود، غرق شدن در بحر سیمای پسرش اسحاق میشد؛ او هر بار که اسم پسرش را صدا می‌زده، باید خندیده باشد [اسحاق به زبان عبری یعنی او خواهد خندید]. بعد از دعا برای داشتن یک پسر، که هیچ کس نمی‌داند چه مدت باید بوده باشد، حنا، سموئیل را بغل کرد و گفت: « من از خداوند تقاضای یک پسر کردم و او دعایم را مستجاب نمود و این پسر را به من عطا کرد » (اول سموئیل ۱: ۲۷).

مریم که هنوز دختری جوان بود، با حیرت و ترس و دلهره ای که در دل داشت، فرزندش را در آغوش ناز و نوازش می‌کرد، فرزندگی که پسر خدا بود. در عین حال، هر کسی این امتیاز و مسئولیت را ندارد که صاحب فرزند شود. ما این هفته برای بررسی فصلی برای پدر و مادر شدن با همه چالش‌ها، ترس‌ها، و رضایت و شادی آن وقت صرف خواهیم کرد.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت ۴ خرداد - ۲۵ May آماده شوید.

## زوج های بدون فرزند

پیدایش ۱۸: ۱۱؛ ۳۰: ۱؛ اول سموئیل ۱: ۱-۸؛ لوقا ۱: ۷ را بخوانید. چه چیز مشترکی همه این مردم دارند؟ چگونه خدا به خواسته دل آنها جواب داد؟

بچه ها نعمت خدا هستند، اما به علت برخی دلایل هر کسی از این نعمت برخوردار نیست. در برخی با امید و دعا برای داشتن خانواده، خدا با مهربانی این درخواست آنان را اجابت می کند، بعضی وقتها کاملاً بطور معجزه آسا، مثلاً در مورد سارا؛ و بعضی دیگر تنها آرزوی قلبی خود را در سکوت نا امید کننده به حضور تخت پادشاهی خداوند می برند. هر زمان که آنها می بینند که برخی از دوستان آنان خدا را به خاطر حاملگی و یا بدنیا آمدن بچه هایشان شکرگزاری می کنند، عمق زخم آنان عمیق تر می شود و بار دیگر آشیانه خود را خالی می بینند.

حتی اگر کسی بدون منظور از آنان سوال کند «چند تا بچه دارید؟» این سوال دردآور، یادآور کانون خالی آنان از کودک و محروم شدن از آن است، با اینکه ممکن است خواسته باشند تا بچه ای داشته باشند.

کسانی که چنین تجربه ای را گذرانده اند بهتر است این را قبول کنند که خداوند غم و اندوه آنان را درک می کند. نویسنده مزامیر از قول خدا می گوید، «تو از پریشانی من آگاهی، حساب اشکهایم را داری آیا آنها در دفتر تو نوشته نشده اند؟» (مزامیر ۵۶: ۸). حتی اگر به نظر برسد که او ساکت است «چنانکه پدر بر فرزندان خود رئوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت می نماید» (مزامیر ۱۰۳: ۱۳).

در همین حال، مردم دیگری، به دلایل مختلف، ممکن است بطور ساده انتخاب کنند که بچه دار نشوند. در دنیایی که خیلی از ما رنج و درد و شر و فاجعه را تجربه می کنیم، این را می شود درک کرد، که چرا برخی ممکن است تصمیم بگیرند که بچه دار نشوند و مردم بیشتری را به این دنیا نیاورند. در برخی موارد، برخی از مردم ممکن است فرزندخواندگی را قبول کنند، به جای اینکه خودشان بچه دار شوند؛ که بدین طریق آنها کودکانی را بزرگ می کنند که در حال حاضر بدنیا آمده اند، و به آنان فرصت زندگی بهتری را بدهند که ممکن بود در غیر آن نداشته باشند.

دنیای ما مکان پیچیده و بغرنجی است، و ما، همه نوع انسان با انواع موقعیت های مختلف چه بچه داشته باشند و چه بچه نداشته باشند، را ملاقات می کنیم. ما خودمان را در هر موقعیتی با توجه به مسائل در مورد بچه ها پیدا کنیم، ما می توانیم با اطمینان به عشق خدا به ما و اشتیاق او برای خیرت ما زندگی کنیم. همچنین در عین حال،

ما باید همیشه به یاد داشته باشیم که با کسانی که به هر دلیلی فرزندی ندارند با حساسیت برخورد کنیم.

مسیح هیچوقت بطور طبیعی فرزندی از خودش نداشت. این حقیقت چه درس هایی برای ما دارد؟

۳۰ اردیبهشت

دوشنبه

## والدین مجرد

یکی از پدیده هایی که دنیا با آن مواجه است، والدین مجرد است، که اغلب، نه همیشه، زنان به عنوان ولی مجرد هستند. برخی زمانها ما فکر می کنیم که والدین مجرد، کسانی هستند که از طریق ازدواج بچه دار شده اند. در هر صورت این مسئله همیشه صحت ندارد. هاجر تحت فشار بود که از ابراهیم بچه دار شود، و سپس با زور از او خواستند تا به همراه بچه اش آنجا را ترک کند (پیدایش ۱۶: ۳، ۴؛ ۲۱: ۱۷). بتشیع به علت رابطه با مرد قدرتمندی مانند داوود، حامله شد (دوم سموئیل ۱۱: ۴، ۵). ایلیا به روستایی به نام صَرَفَه فرستاده شد تا به مادر تنهایی که بیوه بود کمک کند (اول پادشاهان ۱۷: ۹). «قبل از این که مسیح رسالت خویش را آغاز کرد، یوسف، پدر خوانده او، فوت کرد، و مریم را به عنوان بیوه و ولی مجرد تنها گذاشت. حالا دیگر کسی نبود که به او [مریم] در امیدها و ترسهایش، اعتماد به نفس بدهد. دو ماه گذشته خیلی اندوهناک بوده است» الن جی وایت، آرزوی اعصار، ص ۱۴۵.

شاید پدر یا مادر مجرد بودن، یکی از چالش برانگیزترین شغل های دنیا برای یک نفر باشد. آنان با خیلی از مشکلات روبرو هستند، مثل مدیریت مسائل مالی، برخورد با دیگر پدر و یا مادر، یا داشتن زمانی برای خودشان یا گذراندن با خدا، و نگران از اینکه آیا فردی دوباره عاشق آنان خواهد شد.

چه وعده هایی هر کس، شامل والدین مجرد، از آیات زیر می تواند بگیرد؟ ارمیا ۳۱: ۲۵؛ متی ۱۱: ۲۸؛ ارمیا ۲۹: ۱۱؛ ارمیا ۳۲: ۲۷؛ امثال سلیمان ۳: ۵، ۶؛ اشعیا ۴۳: ۴۳ و ۴۱: ۲۰.

ما به عنوان کلیسا مسئولیت داریم که والدین مجرد را کمک کنیم. یعقوب می نویسد، «دیانت پاک و بی آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی یتیمان و بیوه زنها دچار مصیبت می شوند، از آنها توجّه کنیم و خود را از فساد جهان دور نگاه داریم» (یعقوب ۱: ۲۷).

کمکی که می‌شود به آنها پیشنهاد شود تنها مسائل مادی نیست. ما می‌توانیم با نگهداری از بچه‌ها، به آنان اجازه دهیم که کمی فرصت برای انجام کارهای دیگرشان مثل استراحت، دعا، مطالعه کلام خدا، داشته باشند. ما می‌توانیم مواظب بچه‌های آنان باشیم تا آنان کار تعمیرات در خانه خود را انجام دهند. ما می‌توانیم، به روش‌های مختلف در کمک و حمایت والدین مجرد، دستان خداوند باشیم.

بدون اینکه آنان را قضاوت کنیم که چرا به این وضعیت رسیده‌اند، با چه چیزهای خاصی می‌توانیم والدین مجرد را تشویق و کمک کنیم؟

۳۱ اردیبهشت

سه شنبه

## لذت و مسئولیت ولی بودن

مزامیر ۱۲۷ را بخوانید. پیام اصلی در این مزمور کوتاه چه هست؟ کدام قاعده کلی را می‌توان از آن اقتباس کرد و در زندگی بکار گرفت؟

زمانیکه ما میرخواهید تا غذای مورد علاقه خود را طبخ کنید، باید از دستورطبخ پیروی کنید. همه مواد مورد نیاز را اضافه کنید و همه مراحل را دنبال کنید، بیشتر مواقع نتیجه مورد نظر را بدست می‌آورید. گرچه، ولی بودن، شبیه آشپزی نیست. هیچ کودکی دقیقاً شبیه کودک دیگر نیست، حتی اگر شما هرچه را برای یک کودک انجام دهید، بتوانید برای کودک دیگر هم انجام دهید، نتیجه می‌تواند متفاوت باشد. این نتیجه ممکن است به خاطر جنسیت، ترتیب بدنی آمدن آنان، و خلق و خوی آنها، یا انبوهی از دلایل دیگر باشد.

در نقشه خداوند، والدین، فرزندان را در جهت دوست داشتن و اطاعت از خداوند هدایت و تعلیم می‌دهند (تثنیه ۶: ۴-۹؛ مزامیر ۷۸: ۵-۷). رهنمود خدا به والدین این است «طفل را در راهی که باید برود تربیت نما» (امثال سلیمان ۲۲: ۶)، نه اینکه مثل عقاب بالای سر بچه‌ها پرواز کنید که مبدا تصمیمات اشتباهی اتخاذ کنند.

هنگامیکه می‌خواهیم ببینیم که، فرزندان ما، از درآغوش بودن ما، و از یک انسان کوچک ضعیف، به یک بزرگسالان موفق، تبدیل شوند، مسئولیت نهایی ما این است که آنها محبت نموده و خدمت به مسیح را به آنان بیاموزیم. به عنوان والدین آنها، می‌توانیم نقشه خداوند برای رشد روحانی آنان را از مطالب تثنیه باب ۶ دنبال کنیم. چهار پیش نیاز مهم وجود دارد: که تشخیص بدهیم؛ تنها خدایی که وجود دارد، خدای ماست؛ (تثنیه ۶: ۴)، که خدای خود را با تمامی قلب دوست داشته باشیم (تثنیه ۶: ۵)، که کلام او

را حفظ کنیم (تثنيه ۶: ۶)، و آنچه را که در باره او می دانیم با فرزندان خود به مشارکت بگذاریم (تثنيه ۶: ۲۰-۲۳).

تثنيه ۶ با دو اصل مهم ادامه می یابد. اصل اول: «تعلیم- گفتگو» (تثنيه ۶: ۷). تعلیم به آموزش رسمی اشاره دارد، در حالیکه گفتگو اشاره به رهنمود غیر رسمی دارد. در هر دو مورد، ارتباطات حقیقت کتاب مقدسی، در روابط «ولی - فرزند» روی می دهد. زمان های منظم تعلیم می تواند در طی عبادت خانوادگی رخ دهد در حینی که کلام خدا را به همراه آنان مطالعه می کنیم. و تعلیم غیر منظم بستگی به طور ناخودآگاه در شرایط پیرامونی روز به روز زندگی بروز می کند و حتی مهم تر است. وقایع روزانه می تواند به وسیله موثری برای گفتگوی حقیقت کتاب مقدس تبدیل شود (پیدایش ۱۸: ۱۹). دومین اصل: «بیاویزید- بنویسید» می باشد (تثنيه ۶: ۸-۹). حقیقت روحانی باید به فعالیت های (دست) ما گره خورده باشد و طرز رفتار ما بر (سر) ما بسته شده باشد، اما همچنین باید در محیط خصوصی بر (سردر) خانه هایمان نوشته شده باشد و بر (دروازه های) عمومی زندگیمان نصب شده باشد. این کار باید از قلب هایمان شروع شود و تا به خانه هایمان ادامه یابد و از خانه هایمان به جهان تعمیم یابد.

## چهارشنبه

۱ خرداد

# والدین به عنوان شاگردسازان

پیدایش ۱۸: ۱۸، ۱۹ و اول سموئیل ۳: ۱۰-۱۴ را مطالعه کنید. این دو پدر را با هم مقایسه کنید. نتایج شیوه های سرپرستی آنان چه بود؟

والدین مسئولیت شاگردسازی فرزندان خود را دارند، سپس آنها شاگرد مسیح خواهند شد. والدینی وجود دارند که معتقد هستند روش تنبیه بدنی برای آموزش و اصلاح فرزندانشان بهتر است (امثال سلیمان ۲۲: ۱۵؛ ۲۳: ۱۳؛ ۲۹: ۱۵). عبارت های نظیر این، مورد سوء استفاده قرار گرفته اند تا کودکان را مورد سوء رفتار قرار داده و آنان را مجبورکنند که کاملاً تسلیم و مطیع باشند، ولی این شیوه اغلب منجر به شورش فرزندان علیه والدین و خداوند شده است.

کتاب مقدس به والدین می آموزد که با مهربانی امور را هدایت کنند (افسیان ۶: ۴؛ کولسیان ۳: ۲۱) و عدالت را به کودکان آموزش دهند (مزامیر ۷۸: ۵؛ امثال سلیمان ۲۲: ۶؛ اشعیا ۳۸: ۱۹؛ یوئیل ۱: ۳). به عنوان پدر و مادر، ما باید برای فرزندان خود تدارک ببینیم (دوم قرن تیان ۱۲: ۱۴) و الگوی خوبی برای آنان بمنظور پیروی باشیم (پیدایش ۱۸: ۱۹؛ خروج ۱۳: ۸؛ تیطس ۲: ۲). به ما گفته شده که خانواده خودمان خوب رهبری کنیم

(اول تیموتائوس ۳: ۴، ۵، ۱۲) و کودکان خود را تادیب و تربیت کنیم (امثال سلیمان ۲۹: ۱۷، ۱۵) و در عین حال منعکس کننده محبت خدا هم باشیم (اشعیا ۶۶: ۱۳؛ مزامیر ۱۰۳: ۱۳؛ لوقا ۱۱: ۱۱).

متأسفانه، کتاب مقدس داستان والدینی را نشان می‌دهد که اشتباه کرده‌اند. اسحاق و ربکا بطور احساسی با پسرهایشان برخورد کردند، یعقوب و عیسو (پیدایش ۲۵: ۲۸)، و بعدها یعقوب همان رفتار را با یوسف کرد (پیدایش ۳۷: ۳). هر چند عیسی رهبر دینی بود، موفق به اصلاح و تربیت فرزندان نشد (۱ سموئیل ۳: ۱۰ تا ۱۴). سموئیل، کسیکه بوسیله عیسی بزرگ شد، کمبود پدر را بسیار حس کرد (۱ سموئیل ۸: ۱ تا ۶). داوود پادشاه، مرتکب زنا شد و دستور قتل داد، به فرزندانش یاد داد که کار او را دنبال کنند. منسی پادشاه فرزندانش را برای اهریمن قربانی کرد (۲ پادشاهان ۲۱: ۱ تا ۹)، همچنین عزیا پادشاه (۲ پادشاهان ۱۶: ۱ تا ۴). خوشبختانه، با این حال، ما همچنین می‌توانیم نمونه‌های خوبی در کلام خدا پیدا کنیم. مردخای پدر خوانده بسیار خوبی برای هدهه، ملکه استر (استر ۲: ۷) بود، و ایوب بطور منظم برای فرزندانش دعا کرد (ایوب ۱: ۴ تا ۵). در همه این نمونه‌ها، خوب و بد، ما می‌توانیم درس‌هایی برای پدر و مادر بودن بگیریم.

چه درس‌هایی از این والدین که در کتاب مقدس آمده، میتوان آموخت؟ به چه روش‌هایی این اصول را در تعاملات خود با کسانی که فرزند ندارند میتوانیم بکار ببریم؟

۲ خرداد

پنجشنبه

## مبارزه برای سعادت فرزند اسرافکار

امثال سلیمان ۲۲: ۶ را مطالعه کنید. از این عبارت چه می‌فهمید؟ آیا این یک ضمانت، قول، یا یک احتمال است؟

بعضی وقتها به عنوان پدر و مادر تمام انرژی و امکانات و زمان خود صرف می‌کنید تا به کودکان خود، با توجه به دانش خود از خدا، راه درست زندگی کردن را یاد بدهید، آنان را به یک مدرسه خوب می‌فرستید، بطور مرتب در کلیسا حضور بهم می‌رسانید، آنان را مشغول خدمت کار کلیسا می‌کنید اما در نهایت آنان ایمانی را که شما با آن، آنان را بزرگ کرده‌اید ترک می‌کنند. میزان رنج و مشقت زیاد است و لحظه‌ایی نیست که بخاطر دلهره از رستگاری آنان فارغ بشوید. علت لزوماً بخاطر خطای والدین نیست. فرزندان عقلانیت خود را دارند و در نهایت در برابر خدا مسئول اعمال خود هستند.

برخی از این جمله که « وقتی بزرگ شوند هرگز فراموش نمی کنند » بعنوان یک وعده و تضمین استفاده می کنند، مبنی بر اینکه تربیت درست از سوی والدین همواره منتج به رستگاری فرزند خواهد شد. امثال سلیمان ارائه کننده اصول است و نه قول بی قید و شرط. آنچه که از این متن استنتاج می شود این است که اطمینان داشته باشیم درس‌هایی که ما در کودکی یاد فرزندانمان می دهیم، تا آخر عمر با آنان خواهد ماند. هر کودکی که به سن بزرگسالی می رسد چه بخواند و یا نخواهد میراث والدینش به او می‌رسد. والدین باید مراقب باشند که تعلیمات الهی را به آنان یاد دهند چون آنچه والدین به کودکان آموزش دهند همیشه با آنان خواهد ماند، حتی اگر فرزندان از والدین دور شوند، بذریه‌هایی را که در قلب آنان می کارند بطور مداوم آنان را به بازگشت به خانه دعوت می کند. والدین خوب بودند، انتخاب ماست؛ و اینکه فرزندان چگونه از تربیت ما استفاده کنند به عهده خود آنان است.

چه کاری بهتر است والدین انجام بدهند، وقتی فرزندانمان به راه گمراهی می روند؟ با دعای پرشور آنان را به خدا بسپارند. اگر کسی نتواند درد و رنج شما را درک کند، خدا می تواند، چرا که میلیون ها نفر از فرزندانمان به او پشت کرده اند. شما می توانید فرزند گم شده خود را با محبت و دعا حمایت کنید، و همیشه آماده باشید که در کنار او بایستید در زمانی که آنان با خدا در کشمکش هستند. هیچ وقت برای درخواست حمایت و دعا خجالت نکشید، و خود را سرزنش نکنید، و بیش از حد بر فرزند گمراه شده متمرکز نشوید که باعث شود تا دیگر اعضای خانواده خود را فراموش کنید. فقط برای فرزند گمراه والدین بودن] و بی توجهی به دیگران باعث جدایی و انشقاق در خانواده می شود؛ بنابراین همراه همسر خود در برابر فرزندان خود جبهه مشترک و مرزهای روشن و مشخص ایجاد کنید. به یاد داشته باشید که خداوند فرزند شما را دوست دارد، حتی بیشتر از شما؛ به آینده روشن نگاه کنید، و قبول کنید که کار خداوند در فرزند شما در حال پیشرفت است.

این طبیعی است که در شرایط اینچنینی خود را سرزنش کنید. و اما اگر اشتباه کرده اید، آیا بهتر نیست بر روی آینده و وعده های خداوند که به ما داده است تمرکز کنید؟ (فیلیپیان ۳: ۱۳).

۳ خرداد

جمعه

**تفکری فراتر:** « بهتر است زمان گذاشته و با فرزند خود صحبت کنید، و اجازه ندهید هیچ چیز آن فصل مصاحبت شما با خدا و فرزندانمان را قطع کند. می توانید به مهمانان خود بگوئید، خداوند به من مسئولیتی داده که باید انجام دهم، و برای غیبت کردن وقت ندارم. بهتر است احساس کنید که کاری را برای این زمان و برای ابدیت در

دست دارید. شما برای اولین مسئولیت زندگی خود، یعنی تربیت فرزندان، مدیون هستید «الن جی وایت».

—Ellen G. White, *The Adventist Home*, pp. 266, 267.

«والدین، بهتر است که اولین درس تربیت را زمانی شروع کنید که آنها نوزاد هستند و در آغوش شما هستند. به آنها یاد بدهید که از شما اطاعت کنند. می توانید حتی با دست خود برای نشان دادن عزم جزم خود استفاده کنید. والدین بهتر است کاملاً بر روحیه خود مسلط بوده و با ملایمتی که با قاطعیت همراه باشد، اراده و سرکشی کودک خود را مهار و آنان را مطیع خود سازند. والدین باید این کار را از همان زمان طفولیت کودک انجام دهند و نگذارند که مشکل به زمان و فصلی برسد که دیر شده باشد. اگر اولین آشکارسازی های خلق و خو مهار نشود، بچه سرسخت و کله شق می شود، و با رشدشان افزایش یافته و با تنومند شدنشان، مشکل نیز تنومند می شود. الن جی وایت».

—Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 1, p. 218.

## سوالاتی برای بحث

۱. «فرزند خدا» بودن، به چه معنی است؟ آن تصویر را چگونه می توانیم درک کنیم، و چه تسلی و تسکینی می توانیم از آن بیابیم؟
۲. پدری، به محض اینکه فرزندش بدنیا آمد، این عبارت را گفت: «من دو حقیقت الهیاتی را در چند سال اولیه بعد از تولد فرزندم یاد گرفته ام. اول، واقعیت آزادی اراده؛ دوم، واقعیت گناه آلوده ذات انسان». فرزندان کم سن و سال چگونه توانسته اند این حقایق را به او یاد داده باشند؟
۳. برای کمک به شکل دادن اراده کودک چه زمانی مناسب است؟ چگونه می توان این کار را انجام داد؟ چگونه می توانیم اراده کودکانمان را بر اساس نقشه خدا شکل دهیم، زمانی که خودمان کاملاً آن را تبعیت نمی کنیم؟
۴. بر روی مسئله والدین مجرد بیشتر تمرکز کنید. بطور کلی، چه راههای عملی در کلیسای شما وجود دارد، که می تواند به والدین مجرد کمک کند تا فرزندانشان را بزرگ کنند؟ به چه طریقی میتوان والدینی که فرزندانشان گمراه شده اند را تشویق نمود؟